



تک شماره ۱۰ ریال
شنبه ۱۲ خرداد ۱۳۵۸

هم میهنان عزیز!

مبارزان راه پیروزی انقلاب ایران!

همه مردم ایران و همه مبارزان صدامپریالیست و آزادخواه در سراسر جهان در این ارزیابی شریکند که، انقلاب مردم ایران به پیروزی تاریخی کم نظیری در جهان نائل گردیده است.

در جریان این انقلاب، همه مردم ایران، بجز اقلیت کوچکی خائن و مزدور و غارتگر، فعلاً نه شرکت داشتند. مردم با همبستگی و همکاری خود، یکی از محکمترین دژهای تسلط امپریالیسم و ارتجاع رادرم شکستند، ولی همانطور که امام خمینی پاره‌پاره‌آورد شده‌اند، وزنه اساسی این نبرد زندگی و مرگ پرودش زحمتکشان شهر و روستا و مبارزان جان‌برکف انقلابی قرارداد شده است، که با نثار ده‌ها هزار قربانی، پایه‌های کاخ استبداد آمریکا - اسرائیل - شاه - ساواک را متزلزل ساختند و با ضربۀ نهائی آنرا فرو ریختند.

انقلاب پیروزمند ایران، با دستاوردهای بسیار چشمگیری که در همین دوران کوتاه داشته، توانسته است تناسب نیروها در منطقه و در سراسر جهان، بطور محسوس بسود جنبش‌های رهائی‌بخش ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی و ضد نژادپرستی تغییر دهد.

فروردیزی نظام جهانی استبداد سلطنتی مرتکون شده، استقرار جمهوری اسلامی، با هدفهای والائی که در راه تأمین استقلال ملی، آزادی، بهبود شرایط زندگی زحمتکشان و پیشرفت همه‌جانبه اجتماعی در پیش گرفته است، از هم‌پاشیده شدن سازمان‌چنانیت کار ساواک، مجازات خائنین به منافع ملی و آزادی‌های فردی اجتماعی، درهم شکسته شدن ماشین نظامی تجاوز کار امپریالیسم آمریکا، اخراج ده‌ها هزار مستشار امریکائی که همه شرانهای حیاتی زندگی اجتماعی ما را قبضه کرده بودند، لغو قراردادهای اسارت‌آور کاپیتولاسیون، سنتو، خرید میلیاردی دلار جنگ‌افزار و تأسیسات صنعتی غیر ضروری، بیرون کشیدن صنایع و صادرات نفت از چنگال‌های حریص و خون‌آلود انحصارهای نفتی امپریالیستی، بازخواندن ارتش ایران از ظفار، قطع مناسبات سیاسی با رژیم سادات خائن، امتناع فروش نفت به اسرائیل و نژاد پرستان جنوب افریقا - اینها همه دستاوردهای چشمگیر و بااهمیت انقلاب ایران در این مدت کوتاه است.

وظیفه مردم قهرمان ایرانست که از این دستاوردها با تمام نیرو پاسداری کنند، آنها را تثبیت و تحکیم نمایند و بیش از پیش در تمام زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و ملی گسترش دهند.

در عین حال باید فراموش کنیم که انقلاب ایران یکی از دشوارترین دورانهای تحکیم و تثبیت پیروزی خود را میگذراند و بر سر این روند تحکیم و تثبیت، با دشواریهای بسیار جدی روبرو شده و میشود. از سوی دیگر ما شاهد آن هستیم که با کمال تأسف، در زمینه شناخت این دشواریها و راه‌آزمین برداشتنشان، در میان نیروهای ملی‌دید، یگانهای وجود ندارد و در نتیجه عمل متحد و پیگیری انجام نمیگیرد. تردید نمیتوان داشت که با ادامه این وضع، خطرات جدی‌ترین دستاوردهای انقلاب را مورد تهدید قرار میدهد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران با احساس مسئولیت تاریخی میکوشد ارزیابی خویش را از وضع کشور در لحظه کنونی، در اختیار همه نیروهای راستین هوادار پیروزی انقلاب ایران قرار دهد و همه این نیروها را به اهمیت حیاتی و درنگ‌ناپذیر وحدت نظر و اتحاد عملی، علیه دشمنان رنگارنگ انقلاب فراخواند.

بنظر ما ویژگیهای لحظه کنونی در کشور چنین است که:

- عوامل گوناگون بحران در همه زمینه‌های زندگی اجتماعی شدت مییابد.

- ضد انقلاب (یعنی امپریالیسم و ارتجاع داخلی) با بهره برداری از ناسامانیها هر روز گستاخ‌تر میگردد.

- سازشکاران، نبرد نیروهای انقلابی خلق را علیه ضدانقلاب فلج میکنند.

- تفرقه اندازان و انحصار طلبان مبارزه مردم را از مستمگیری اصلی منحرف میسازند.

- بخشهای مهمی از نیروهای راستین انقلاب ضروریات حیاتی عمده پیروزی انقلاب را با فراموش کرده‌اند و یابدان کم‌بها میدهند و خود را با مسائل فرعی درجه دوم مشغول میسازند.

همه اینها، همراه هم، موجبات ضعف جنبش انقلابی میهن‌مارا

نامه سرگشاده

کمیته مرکزی حزب توده ایران

به همه نیروهای علاقمند به پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی،
دموکراتیک و خلقی ایران درباره ضرورت درنگ‌ناپذیر اتحاد
برای مقابله با تحریکات ضد انقلاب و پیدا کردن
راه حل انقلابی مشکلات کنونی

ها دلار از ثروت ملی برای تدارکات نظامی استراتژیک آمریکا، صدور بی‌بندوبار کالاهای مصرفی گران قیمت، صدور تأسیسات صنعتی چند برابر قیمت‌های بین‌المللی، تحمیل بی‌تناسب صنایع مونتاژ بجای صنایع مادر، تبدیل ایران، بموازات اسرائیل، به دومین پایگاه تجاوز امپریالیستی برای سرکوب جنبش‌های ضد امپریالیستی در منطقه خلیج فارس و خاور نزدیک و میانه، تبدیل ایران به بزرگترین پایگاه جاسوسی و تدارکی تجاوز علیه اتحاد شوروی و سایر کشورهای ضد امپریالیست در منطقه، تحمیل‌دهها و دهها هزار کارشناس «نظامی» و «فنی» و «اقتصادی» و غیره، نابود کردن کشاورزی ایران و وابسته کردن تمام زندگی روزمره میهن مابه اقتصاد امپریالیستی - اینها همه و همه طبق نقشه مشترک و هماهنگ همه امپریالیستها، به سرکردگی امپریالیسم امریکابوده است.

انقلاب ایران به منافع حیاتی اقتصادی و استراتژیک نظامی همه این امپریالیستها و طبقه حاکمه وابسته به آنان، ضربه سهمگین و دردناکی وارد ساخت و ما شاهد آن هستیم که زوزه این گرگهای درنده زخم خورده علیه دستاوردهای انقلاب ایران در سراسر جهان طنین انداخته است و تحریکات محافل ارتجاعی وابسته با امپریالیسم در ایران هر روز دامنه‌دارتر میگردد.

نیروهای امپریالیستی هنوز در کشور ما پایگاه‌های نیرومندی را در اختیار دارند، این پایگاه هادریستگاه دولتی، دریا زماندگان مخفی و علنی ساواک، در اقتصاد کشور و در میان گروه‌های وابسته به طبقات حاکمه فرازی و بلندگویان «روشنفکر» نمای‌شان است. از این پایگاهها است که جنبه متحد امپریالیستها و در پیشاپیش‌شان امپریالیست‌های امریکائی و صهیونیست‌ها و محافل ارتجاعی ایران، که در آمریکا و اروپای غربی و اسرائیل لنگر انداخته‌اند، علیه انقلاب ایران توطئه می‌کنند.

هدف این نیروهای امپریالیستی اینست که، انقلاب ایران را باشکست روبرو سازند و به این یا آن شکل، اوضاع گذشته‌را، با نقاب و یادبود نقاب، بازگردانند. وسائل و شیوه‌هایی که دشمنان انقلاب در این توطئه خطرناک بکار میبرند، همان وسائل و شیوه‌های شناخته شده توطئه‌های امپریالیستی و ارتجاعی در تاریخ طولانی مبارزات خلقها است، یعنی:

۱- جلوگیری از تثبیت اوضاع اقتصادی و ایجاد دشواریهای ساختگی تازه در این میدان، جلوگیری از بکار افتادن کارخانه‌ها، کارگاهها، دامن زدن به هر چه مرج اقتصادی، بالابردن قیمت‌های خواربار و وسائل مصرفی مورد احتیاج مردم.

۲- جلوگیری از تثبیت اوضاع اجتماعی و دامن زدن به هر چه مرج، مشغول کردن مردم به مبارزات خانگی، منحرف کردن مردم از مبارزه علیه دشمن اصلی.

۳- ترویج ناامنی، ترور، کشتار، دزدی، غارتگری، پخش مواد مخدر، قاچاق.

۴- بجان هم انداختن احزاب، سازمانها و گروه‌های سیاسی و ایجاد تفرقه.

در این میدان، مفسده جوانان، که متأسفانه بر اثر غفلت نیروهای انقلابی، در بسیاری از نقاط رخنه کرده و سنگرهای سیاسی را در دست گرفته‌اند، نقش تخریبی خطرناکی را ایفا میکنند. اینان گاه مانند پالیزبان‌ها علناً به سازماندهی نیروهای سیاه آدمکش میپردازند و گاه با ماسک «روحانی» (مانند حمای‌ها، که از همکاران ساواک بوده و ماهرانه خود را در میان هواداران نزدیک امام خمینی جاداده بودند) بدین منظور که مناسبات برادرانه آنها را با روحانیون میهن پرست و انقلابی تیره سازند، نیروهای میهن‌پرست چه (مورد حمله قرار میدهند، گاه با ماسک «روشنفکر ماوراء انقلاب» و «هواداران انقلاب کارگری»، جنبه امپریالیسم و ارتجاع رابه فراموشی سپرده، ناجوانمردانه حزب توده ایران را بیاد تهمت واقترا میکنند و گاه بصورت «هواداران آزادی» و «نیروهای انقلابی روحانی» و مذهبی را هدف عمده و اساسی مبارزات «انقلابی» خود قرار میدهند.

بهبیوجه زیاده روی نیست اگر ادعا کنیم که بازماندگان رژیم سرکون شده و کارگزاران سیای آمریکا و ائتلتجس سرویس انگلیس و موساد اسرائیل و مائوئیستهای سوگند خورده و سایر سازمانهای تبهکار، در همه این لباسها مشغول خرابکاری علیه انقلاب ایران هستند.

موضعگیری نسبت به این جنبه متحد دشمنان انقلاب ایران و برخورد با شیوه‌هایی که بکار میبرند، در جهت گیری کلی، برای

فراهم آورده است. تنها از راه شناخت درست ریشه‌های بحران کنونی و کروه‌های عمده آن و با تلاش، برای خنثی ساختن پیامدهای زیان‌بخش‌شان، میتوان راه تثبیت پیروزیهای انقلاب را هموار ساخت.

بنظر حزب توده ایران، پیش از آنکه به تحلیل جوانب گوناگون ویژگیهای بالا بپردازیم، ضرورت دارد روشن شود که دشمنان اصلی انقلاب ایران کیانند، هدفهایشان چیست و چه شیوه‌هایی را در لحظه کنونی برای رسیدن به این هدفها بکار میبرند. این امر از آنجهت ضرورت درجه اول دارد که در باره‌اش، متأسفانه، میان نیروهایی که خود را هوادار انقلاب ایران میدانند، اختلاف نظر عمیق وجود دارد. برای نمونه میتوان به ارزیابی‌های گوناگون برخی از اعضاء دولت موقت جمهوری اسلامی ایران، درباره دخالت گستاخانه امپریالیسم آمریکا در امور داخلی ایران، اشاره کرد که جهت گیری روشن آن، کنار گذاشتن امپریالیسم امریکانه، تنها بعنوان دشمن اصلی، بلکه حتی بعنوان یکی از دشمنان اصلی انقلاب ایران است. این ارزیابی‌ها، با ارزیابی اکثریت مطلق مردم ایران، با ارزیابی مکرر امام خمینی، که باشد تمام در تظاهرات چند میلیونی روزهای اخیر در سراسر کشور بازتاب یافته است، در تضاد آشکار است. از اینروست که بنظر ما مهمترین مسئله مورد توجه باید همین امر مشخص ساختن دشمنان اصلی انقلاب ایران، هدفها و شیوه‌های عمل آنها برای رسیدن باین هدفها باشد.

دشمنان انقلاب ایران

بنظر ما دشمن اصلی انقلاب ایران امپریالیسم غارتگر جهانی، به سرکردگی امپریالیسم متجاوز آمریکا و هندستان ایرانی‌ان، یعنی سرمایه‌داران و زمین داران بزرگ وابسته با امپریالیستها است. هرگونه تلاش برای منحرف ساختن افکار عمومی مردم انقلاب ایران از سمتگیری بدون تزلزل علیه این دشمن اصلی، چه آگاهانه باشد و چه بر پایه ارزیابی و شناخت نادرست از واقعیت، به زیان جبران ناپذیری برای جنبش انقلابی میهن ما تمام میشود.

امپریالیسم جهانی (که امپریالیسم امریکا در رأس آن قرار دارد) تپیش از پیروزی انقلاب کبیر اکثریت در روسیه، سراسر جهان را با چکمه‌های بخون آغشته خود لگد مال میکرد. امپریالیسم با آنکه در دوران ۶۰ ساله اخیر در قبال جنبش عظیم و جنبه نیرومند ضد امپریالیستی جهان، مواضع زیادی را از دست داده است، هنوز اساسی ارتجاع سیاه جهانی است.

امپریالیسم جهانی، یعنی انحصارهای نفتخوار، انحصارهای جهانی تولید کننده جنگ‌افزارها بانکهای غارتگر امپریالیستی، انحصار های جهانی و باصطلاح مافوق ملی در همه رشته‌های صنعتی و کشاورزی و بازرگانی و ترابری و ...

این امپریالیسم جهانی، که نیرومندترین هسته آنرا امپریالیسم امریکا تشکیل میدهد، برای برقراری تسلط جهانی خود، ابزار و جنگ افزار بسیار گوناگونی را در اختیار دارد و بر حسب شرایط سیاسی، زمانی، جغرافیائی، ملی و غیره، این یا آن ابزار را بکار می‌اندازد. تجاوز آشکار با نیروهای نظامی (مانند ویت‌نام)، توطئه‌های کودتایی (مانند ایران - در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ - اندونزی، شیلی و دهها کشور دیگر آسیا و آفریقا و امریکای لاتین)، خریدن خائنین (مانند مصر و سودان) و تحریکات از راه استفاده از جریان‌های «سیاسی» و «مذهبی» و «ملی‌گرائی» خاص مانند فراموشی، صهیونیست، بهائیکری، سازمانهای فاشیستی و سازمانهای نژاد پرست و دهها و دهها جریان سیاسی و مذهبی رنگارنگ دیگر - همه اینها ابزارهای گوناگون امپریالیسم جهانی هستند.

و در کشور ما ایران، از همان آغاز استیلای خاندان پهلوی، پایه‌های تسلط امپریالیسم جهانی گذاشته شد و، صرف نظر از دورانهای بسیار کوتاه تزلزل، هر روز این پایه‌ها مستحکم‌تر گردید. اگر این تسلط امپریالیستی در دوران پیش از جنگ دوم جهانی و سالهای اول پس از آن، با برخی رقابت‌های امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی و آلمانی همراه بود، پس از کودتای ۲۸ مرداد این تسلط امپریالیستی به سرکردگی امپریالیسم امریکا، بطور مشترک و جمعی مستقر شد و میهن مابه غارتگاه بی‌بندوباره امپریالیستها، که صهیونیسم یکی از اجزاء متشکله آنست، بدل گردید. غارت ثروت‌های عظیم نفتی میهن ما، تحمیل میلیاردها جنگ افزار زائد و بی‌فائده، وادار کردن دولت دست نشانده به خرج میلیاردها

ضمیمهٔ مردم - ارگان کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

دوست ، مبدل کند و آنرا درج‌که کشورهای غیرمتعهد واردسازد، در سیاست جهانیسی از مبارزات خلفهای محروم علیه امپریالیسم جهانیتغوار و متجاوز ، علیه رژیم‌های فاشیستی وژادپرست‌پشتیبانی نماید ، یک چنین نظامی مورد پشتیبانی کامل ماست.

۴ - مشکلات درزمینهٔ حقوق ملیتها

یکی از مشکلات انقلاب ایران مشکل ملی است ، که حل درست و عقلانی آن ، می‌تواند جامعهٔ ما را یک کام بزرگ بجلو ببرد ، و جلوگیری از آن ، می‌تواند به ایجاد کانونهای تفرقه و نا امنی ودمیسه‌های استعماری میدان دهد .

استفاده از زبان مادری و نشناختن برای تکلم و آموزش ، استفاده‌از فرهنگ ملی برای زندگی هرروزه و استفاده از آزادی براری برگزاری اداره کنندگان زندگی اجتماعی ، از حقوق اولیه هرخلقی آزاد است .

حزب تودهٔ ایران ، از همان‌اولین روزهای موجودیت‌خود، دفاع ازاین حقوق‌دارا برای همهٔ اقلیت‌های ملی،که درسرزمین‌ایران زندگی میکنند ، بدون تزلزل در برنامهٔ سیاسی خود جا داده و همواره بطور یکپس ازآن دفاع کرده و میکند .

حزب تودهٔ ایران احترام و شناسائی‌این حقوق ملی ، یعنی خودمختاری اداری‌وفرنکی برایخلفهای غیرفارسی‌زبان ایران،ا، به‌وجودچه منایر با اصل دفاع از وحدت ملی ایران در چهار چوب خدشه ناپذیر تمامیت ارضی کشور نمیداند ، برعکس ، احترام به حقوق ملی را ، یسکی از مهم‌ترین‌پسایه‌های تأمین وحدت واقعی داولیلتها و ملی می‌شمارد .

درعین حال ما صریحاً اعلام می‌کنیم که هر قدر حل ایسن مشکل بطول انجامد ، امکان بهره برداری زیانبخش و فسادناکون از آن بدست دشمنان ملی ماست ، یعنی عمال سربردهٔامپریالیسم و صهیونیسم و واستکان رژیم سرنگون‌شده، بیشتر و بیشتر خواهد شد . امپریالیسم و ارتجاع میکوشند مشکل ملی را ، بعنوان یکی از جنگ افسران‌های زهرآلود خود علیه نظام ضد امپریالیستی ، دمکراتیک و خلقی بکار اندازند ، تنها حل عقلانی ومنطقی‌مسئلهٔ ملی است که می‌تواند زمینه را برای تحریکات عوامل دشمن‌نامساعد سازد و اتحاد همهٔ خلفهای سرزمین ایرانرا در روند بازسازی و نوسازی کشور تأمین نماید .

باکمال تأسف باید بی‌پذیریم که هم اکنون ، در نتیجهٔ تملک و ناپیکیری دولت موقت درحیل این مسئله‌میرم ، در کردستان ، خوزستان ، بسلوچستان و در میان خلق ترک‌منو همچنین در میان دیگر گروه‌های ملی در ایران ، بدست عوامل‌سرنشاس امپریالیسم و رژیم سابق تحریکات‌پردامنه‌ای سازمان یافته و یا درحال‌سازمان یافتن است . ضد انقلاب در ایسن زمینه با تمام نیرو مشغول تلاش است و این میدان را یکی از مساعدترین میدانها برای فنالیت مخرب خود میدانند .

حزب تودهٔ ایران آنقدر برای‌گشودن هرچه سریعتر این گره اهمیت قائل است که پیشنهاد می‌کند ، بی‌درنگ **وزارتخانهٔ ویژه‌ای** برای **حل‌مسئلهٔ ملی** تأسیس گردد . تاریخ سراسرجهان نشان داده است‌که‌حل این دشواری ، جس از راه تقام نیروهای مترقی و خلقی از هیچ راه دیگری مفس نیست . بااستفاده از نسخه‌های کهنه و پوسیدهاعمال قهر و دادنشوهٔ سیاسی‌به‌معتقدین، و «طبقات حاکمه» می‌توان دآوری مسکن برای زمان‌کوتاهی تهیه کرد ، ولی درمان درد از این‌راه مطلقاً مفس نیست .

درعین حال، حزب تودهٔ ایران‌توجه نیروهای ملی‌وانقلابی را ،که هوادار راستین حل مسئلهٔ ملی‌در چهارچوب انقلاب ضد امپریالیستی ، دموکراتیک و خلقی ایران هستند ، باین واقییت جلب می‌کند که در لحظهٔ کنونی ، جهت عدنهٔ مبارزهٔ همهٔ نیروهای انقلابی ایران ، علیه امپریالیسم و بازمانگان‌رژیم سرنگون‌شده پهلوی است‌و حلقه اساسی ایسن نبرد ، بازسازی اقتصادی‌وتأمین آزادی و امنیت اجتماعی است .باید باتمام قوا ازآن پرهمز کرد که در این مبارزهٔ حیاتی ، مسائل مربوط به تأمین حقوق ملی ، که باوجود اهمیتشان ، در تناسب بامسئلهٔ عدنهٔ انقلاب درمرحلهٔ کنونی ، جنبهٔ فرعی دارد ، به مسئلهٔ عدنهٔ مبدل شود و در جنبهٔ متحد همه نیروهای ضد امپریالیستی ، دمکراتیک و خلقی ایران شگاف بوجود بیاورند و در بدترین حالت ، نیروهایی را‌که باید متحداً برای تثبیت و تعمیق عمده‌ترین دستاوردهای انقلاب‌درصرف واحدی مبارزه نمایند ، بچنان‌هم اندازند .

۵ - امنیت ملی وامنیت اجتماعی

همهٔ نیروهای‌فعال اجتماعی کشور ، در این اردیابی‌هم‌زبان هستند که امر امنیت اجتماعی و امنیت ملی یکی از گره‌های‌دردم وپیچیده‌ایست‌که‌در برابر همهٔ مردم‌فرازگرفته است . دراین‌ارزیابی نیز اکثراً هم زیانند که دولت موقت هنوز سرنخ این کلاف‌سردرگم را پیدا نکرده است وباسمت‌گیری سیاسی و اجتماعی‌که پیش‌گرفته، مسلماً سرنخ را پیدا نخواهد کرد .

همه میدانیم‌که ضمن اینکسه درکشور آزادی وجود دارد ، امنیت اجتماعی برای بهره‌گیری ازاین آزادی بسیار محدوداست، عوامل سربردهٔ ضد انقلاب از راه ترور وآدمکشی ، ازراه‌تجهیز خود فرورختگان وساده‌باوران، زیرماتک‌های ماوراجنابما نوثیستی و یا ماوراء راست قشری ، برای حمله به تظاهرات میهن‌پرستانه‌و ضد امپریالیستی ، به مراکز فنالیت نیسروهای راستین انقلاب ، آتش زدن کتابفروشی‌ها ، وغیره وغیره امنیت اجتماعی رامختل می‌سازند . گروه‌های‌زیر ماتک‌های کوناگون‌با اعمال قهر امنیت فنالیت‌سیاسی و مطبوعاتی‌را از مخافتان خودسلب‌میکنند .**ماشاهد آن هستیم که این‌گونه عملیات تحریک آمیزروزیروز وسعت بیشتری پیدا می‌کند . ضرورت اقدامات جدی برای تأمین امنیت اجتماعی هرروز بیشتر احساس می‌شود .**

واقییت اینست که نظام جنایت پیشهٔ استبداد سلطنتی درهم فروریخت و نظام نوین‌ضد‌امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی‌دردست بی‌بریزی است ، این‌پریش براری همه مطرح است که ، آیا میشود برروی همان پایهٔ پوسیده ، که تار پرویش و امپریالیسم واستبداد سیاه وابسته است ، یک نظام انسانی وخلقی را برپا ساخت ؟

تمام مردم مبارز ایران به این پریش پاسخ منفی میدهند ، تجربهٔ همهٔ انقلاب‌های جهان ، واز آنجمله تحولات اجتماعی‌کشور خودمان ، این‌موضع‌گیری‌مردم را تأیید می‌کنند . مسلماًآن‌نیروها و شخصیت‌های سیاسی که سمگیری خود را برای حل این مشکلات برپایهٔ بازناسی نیروهای انقلابی کشور ، بسر مبنای همان کادر دوران رژیم سرنگون شده مشخص کرده‌اند ، نمی‌توانند فراموش کرده باشند که در دوران مبارزهٔ برای ملی کردن نفت هم ، دکتر مصدق همین سیاست را در پیش گرفت وتصور میکرد کسه تنها با واگذاری چند پست فرماندهی‌درارتش وپلیس وژاندارمری‌وابسته به امپریالیسم وسلطنت استبدادی ، به افرا، میهن‌پرست و آزادی‌دوست و مورد اعتماد ، این سازمانها بعکس خود ، یعنی نیروهای خادم مردم بدل خواهند شد .

ما دیدیم‌که درآئزمان، بسا اینکه همین نیسار سرلشکر ریاحی رئیس ستادبود ، با اینکه سر‌تیپ امنیتی وسر‌تیپ دفتری،که از معتمدین دکتین مصدق بودند، ریاست‌کل شهر‌بان و ژاندارمری کشوررا دردست داشتند، بااینکه سر‌هنگ ممتاز فرماندهٔ تیپ زرهی مرکز بود واز خانهٔ دکتر مصدق نگهداری میکرد، بااینکه‌سایر دوستان وهمراهان سیاسی این افسران، یعنی افسران وابسته‌به‌جنبهٔ ملی، تقریباً تمام پست‌های فرماندهی واحد های عدنه ارتش‌وپلیس وژاندارمری را دردست داشتند. (باتوجه بهاینکه درآئزمان هنوز سازمان مخوف ساواک وشاخه‌های سازمان‌های مخفی سیاسی آمریکا و مוסاد اسرائیل بانداژدآموززیسه ندانده‌ومتشکل‌ومجهز نبودند.) چه پیش‌آمد وچگونه ارتش وسایر نیروهای انقلابی آلت اجرای کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد گردیدند و کودتاچنان، زیر‌نظر فرماندهان متعهد، دسیسه جهمی و خائفانهٔ خود را سازمان دادند و دولت ملی دکتروصدق را سرنگون ساختند.

درآئروزها، وحقی تا ساعت ۱۲ صبح ۲۸ مرداد، علیرغم همهٔ بیدارباش‌های مکرر ومؤکد حزب ما درمورد خطر بلافاصلهٔ کودتا، دوستان وهمراهان دکتروصدق در نیروهای انقلابی به او «اطمینان» دادند (ما تردید نداریم که مسلماً خودشان هم باور داشتند) که ازناحیهٔ ارتش، پلیس و ژاندارمری‌خلری وجود ندارد. و این همان اطمینانی است‌که به‌آقای بازرگان داده‌میشود وآقای بازرگان هم به مردم میدهد.

این‌تجربهٔ تاریخی ۲۸ مرداد،که اینقدرگران‌تمام‌شد،بمردم میهن پرست وآزادهدوست‌ایران بیدارباشی میدهد‌که به‌این‌گونه‌وعده‌ها (با اینکه در صداقت وعده دهندگان تردید نمیکنیم) اعتماد نتمایند و به پیشنهادهای آنان دربارۀ نوسازی نیرو های انقلابی، برپایهٔ همان بی‌های پوسیده گذشته، باعدم اطمینان نگاه کنند.این تفاوت را هم باید درنظر گرفت که درپی پیروزی انقلاب،برخلاف دوران دکتسر مصدق، عناصر وابسته به امپریالیسم و رژیم سیاه شاه مخلوع، بسیاری ازامتیازات گذشتهٔ خود وبیش ازهمه «آقای‌و سروری» خود راازدست داده‌اند ومورد بنفشونفرت میلیون‌هاهمردمی هستند‌که دهها هزارفرق ازجوانانشان بدست این سربرندگان‌بهاک وخون غلطیده‌اند.

ازسوی دیگر کسانی که بسیاری ازامتیازات گذشته خود و بیش‌از همه وآقای‌وسروری،خود‌رااز دست داده‌اند، نسبت به نظام انقلابی نوین‌کینه‌تسکین ناپذیری دارند‌وآنرا پنهان هم نمیکنند، بهمه اینها باید افزودکه بخش مهمی ازنیروهای سیامدست نخورده رژیم‌سنگون‌شده، باهمهٔ امکانات گذشتهٔ خودباقی‌مانده‌اند. همه میدانند‌که هزاران مأمور جنایتکار ساواک با اسلحه، وسائل ارتباطی، رادیو و اتومبیل های ضدکلولهٔ خود در سراس ایران پراکنده‌اند، بوسیله مأموران مخفی سیای آمریکا، سازمان‌داده میشوند وهم‌اکنون تمام غرابکاری‌هارا اداره می‌کنند‌وخودرا‌برای خرابکاری‌های وسیع تری‌آماده می‌سازند.

همه میدانند‌که گروه‌های اذافسران وابسته به رژیم در ارتش، پلیس وژاندارمری، هم‌اکنون سازمان‌های پنهانی بسوجود آورده‌اند وخود را برای «لحظهٔ تاریخی»، یعنی لحظهٔ‌واردآوردن ضربۀ ناگهانی به نظام انقلابی‌آماده می‌سازند، بسر‌خورد بسا این

صفحه ۴

سربرندگان رژیم شاه مخلوع، وشاگردان‌مکتب‌سپما وموساد ساواک نشان‌میدهد که آنها باچکین ونفرتی ازانقلاب‌ایران واز رهبران اسلامی و نیروهای انقلابی چپ یاد میکنند وجه نقشه های جهانی درسرمپهوراندند.

دولت آقای مهندس بازرگان منبواحد با همین نیروها، همین سرهنگان وسرگردان «شاهزده»، نیروهای انقلابی را بساز سازی‌کند وآنها را به سرنوشت انقلاب ایران مسلط سازد. این اشتباه تاریخی‌بزرگی‌است‌که‌اگر بموقع وبطورقطع تصحیح‌نشود، برای انقلاب ایران و حتی برای خود آنها‌ئیکه این اشتباه را به مردم ایران تحمیل میکنند، بسیار گران تمام خواهد شد .

برپایهٔ این دور‌بینی وواقع بینی سیاسی است که همهٔ نیرو های راستین انقلاب ایران، صرف‌نظر ازاعتقادات مسلکی و سیاسی خود، یکن‌باز خواستار با‌کسازی هرچه سریعتر نیروهای‌انظامی ودر درجهٔ اول ارتش، ازهم‌اداران‌رژیم سرنگون شده، ازشاگردان مکتب امپریالیسم آمریکاهستند. بدون این با‌کسازی مواجع‌جدی درراه‌جنبش انقلابی بوجود خواهد‌آمد.

حزب توده ایران میدانند‌که درمیان افسران ودرچه داران نیروهای انقلابی رژیم شاه مخلوع، عناصر میهن پرست‌وآزادپنخواه کم نیستند. علاوه عدۀ زیادی ازاین‌گونه افسران، که از خدمت برکنار شده‌اند، امروزآمادهٔخدمت به‌انقلاب‌هستند.بایداین‌عناصر میهن پرست وآزادپنخواه رااز سربرندگان به رژیم سرنگون شده جداکرد واز ترکیب عناصرمیهن پرست وآزادپنخواه بسا عناصر انقلابی، که درجه‌ریان انقلاب چان بسرف‌کف علیه رژیم شاه مخلوع جنگیدند، باهم‌ای نیروهای انقلابی ملی وخلقی‌دایی‌ریزی‌کرد. این البته کاریست دشوارو پرمسئولیت وتنها درچهار چوب‌همکاری بی‌شائبهٔ همهٔ نیروهای انقلابی، می‌تواند‌عملی‌گردد.

حزب تودهٔ ایران، با سایر نیروهای انقلابی وامنیت‌دوستان، که خواستار نگه‌داری وتوسیع‌تسب سباه پاسداران انقلاب و ایجاد یک سازمان ملی و خلقی برای مبارزه با بقایاسی ساواک‌اند هم‌زبان است وعقیده دارد‌که برای ایجاد این سازمانها باید ازهمهٔ نیروهای مبارزخلقی کمک‌گرفته‌شود.

یک چنین سازمان‌های خلقی، هنگامی می‌توانند از دستبرد عناصردشمن درامان فرادگیرند ، که مکنی به «جهبه‌متحد‌نیروهای انقلابی خلق» باشند ودر‌درون آنها زمینهٔ مساعدی برای افشاندن تخم نفاق وجنند دستگی، تخم نمایلات انحصار طلبی وتسلط جوئی وجود نداشته باشد. میدان دادن به نفاق، انحصار طلبی، خصومت‌با آنها‌ئیکه بنحو دیگری فکر میکنند، همیشه زمینه را برای‌دسیسه کاری نفاق افکنان وعوامل دشمن فراهم می‌سازد.

این است نظر حزب تودهٔ ایران دربارۀ عدنه ترین مسائل و مشکلات جنبش انقلابی ایران درلحظهٔ بسیار دشوار ، پیچیده وپر‌مسئولت کنونی.

ما یکباردیگر خلاصه می‌کنیم،

۱- دشمنان انقلاب ما، یعنی امپریالیستها، به سر‌کردگی امپریالیسم آمریکا، با بکارانداختن همهٔ ابزارهایشان (یعنی عوامل صهیونیسم وبازماندگان رژیم سرنگون شده)وطبقات وقشر‌های‌زخم خوردهٔ حاکمه (یعنی سرمایه داران وزمین‌داران بزرگ وابسته به امپریالیسم) بدست گروه‌های مجهزخرابکارساواک، بدست‌گروهی از هواداران‌خود درفرماندهی‌نیروهای انقلابی، بدست عوامل خود‌ک در همهٔ سازمان‌های دولتی پسا‌یکتاهای محکمی دارند و حتی در سازمان‌های انقلابی رخنه کرده‌اند، باتمام نیروتوطفه میکنند و میکوشند روند تثبیت، باز سازی و نوسازی نظام نوین‌انقلابی را درمیان ما، فلج ومردم‌دارا ناراضی‌کنند‌وآنها رادامه‌ای رنگارنگ ضد انقلاب بکشانند.

۲- درچنین شرایطی، تنها ازراه ایجاد همبستگی همگانی همهٔ نیروهای انقلابی،همهٔ نیروهای ضد‌امپریالیست، هوادار استقلال، تمامیت‌ارضی،آزادی وبیشرف اجتماعی معوان این‌دسیسه‌های ضد انقلاب‌را نقش برآب کرد ورا‌هرا برای پیشروی وگسترش انقلاب تاریخی مردم ایران هموارساخت.

۳- حزب تودهٔ ایران عقیده دارد که يك چنین همبستگی همگانی نیروهای انقلابی درلحظهٔ کنونی، عملا تنها درزیر‌رهبری امام خمینی امکان پذیراست، که به پاس بیکوری وقاطمیت تاریخی خود درتجهیز نیروهای خلق علیه امپریالیسم، صهیونیسم و رژیم شاه مخلوع، به پاس ایستادگی درجهت هدف‌های‌اساسی انقلاب‌ایران، ازپالاتین اعتبار ونفوذ درمیان مردم ایران برخوردارند.

۴- حزب تودهٔ ایران همهٔ گروه‌های راستین‌هوادار انقلاب ایران را فرامیخواند که باکنار گذاشتن همهٔ پیشداوریه‌ها، با دست کشیدن‌ازانحصار طلبی وتسلط جوئی، باکنار گذاشتن‌مسائل‌فرعی وغیر‌عدنه، تمام‌تلاش‌خودرا برای بوجود آوردن يك چنین همبستگی همگانی نیروهای میهن‌پرست بکار اندازند.

يك اثر ارزنده وسودمند

تاریخ نوین ایران

بقلم دانشمند شوروی پروفوسور م.س.ایوانف

درسنوات اخیر ازطرف دانشمندان شوروی درباره‌ایران آثار زیادی انتشار یافته است. يك سلسله از این آثار مربوط به تاریخ ایران است که بین آنها تألیفات پروفسورم.س. ایوانف از قبیل «تاریخ مختصر ایران»، وبخصوص تاریخ مشروطیت ایران (سال‌های ۱۹۰۵–۱۹۱۱) مقام ویژه‌ای دارد.

اخیراً نیز «تاریخ نوین ایران» بقلم دانشمندمزبورمنتشر ودر دسترس قرار گرفته است‌که موردبحث ماست.
دائرة وسیعی از مطبوعات فارسی، اسناد مضبوطه در آرشیوهای شوروی ،یک‌سلسله ازتألیفات نویسندگان‌خارجی، آمار رسمی، بولتن‌هاوغیره‌که دراین اثرمورد استفاده‌نویسنده است ارزش خاصی به‌آن داده است.

اثر شامل بازده فصلی است که فصل اول آن به تحلیل جامعی ازاوضاع اقتصادی وسیاسی ایران دراوائل سده‌یستم ونصل آخرآن بمناسبت‌ایران وشوروی تخصیص یافته است.
نه‌فصل دیگروقایع سالهای ۱۹۲۱–۱۹۶۳ یعنی‌دوران ازکودتای ۱۲۹۹ تاسال‌های اخیر را دربرمیگیرد. این دوره‌از تاریخ ایران تاکنون درائر جامعی گردآوری نشده ونگارش‌آن کار قابل‌توجهی است‌که انجام گرفته است.

فصل دوم، سوم و چهارم کتاب جنبش‌های آزادیبخش سالهای پس‌از انقلاب کبیر اکبر روسیه‌که تحت تأثیر مستقیم این انقلاب بوجود آمده، تحلیل نیروهای طبقاتی آنزمان و مبارزاتی‌راکه‌متجر بهانقض سلسله‌قاجار شده‌وسلطنت‌رشاشاه را دربرمیگیرد.

دواوائل این‌دوره امپریالیسم‌انگلیس که درنتیجه‌انقلاب روسیه سلطه نظامی خودرا تاقتقاز بسط داده بود در مقابل پیروزنها وبسط‌داه‌نه این انقلاب مجبور به عقب‌نشینی‌شو گوئید تانقشه تسلط‌خود را درایران ازطریق روی کارآوردن رضاخان‌زیربرده حکومتی‌که گویا بکنی بخلق‌است عملی سازد.

چگونگی این‌بروسه وتغییرات بعدی‌که درحیات‌کشور رخ‌داد تاموقعی که ایران در اثر سازش رضاشاه در آستانه جنگ دوم جهانی بیکی از پایگاه‌های آلمان هیتلری تبدیل گشت دراین فصول تشریح شده است.

زنده‌ترین بخش اثر مربوط است بوضع ایران در دوران جنگ دوم جهانی واوج جنبش دموکراتیک، وقایع این‌دوران؛ فعالیت حزب توده‌ایران ونقش آن‌درمبارزه آزادیبخش‌خلفهای کشور، نهضت مردم‌آذربایجان وکردستان، دسانس‌امپریالیسم وارتنجاع داخلی برای سرکوب جنبش با دقت وروشنی خاصی تشریح شده چنانکه‌گویی نویسنده خودشاهد زنده وقایع‌بوده است.

سوم‌بسرزائی – باتقصیلی‌که حجم‌محدود اراجازمه‌ی‌داده است – به‌مبارزه مردم ایران دراه‌ملی کردن صنایهٔ نفت‌تخصیص داده‌شده است. مؤلف، منظره‌ای‌حقیقی ازچگونگی‌این‌مبارزه، جهت ضد امپریالیستی آن، رقابت دو امپریالیسم در پندو امر وهمدست شدن آنها هنگامی‌که مواضع‌اساسی امپریالیسم‌بخضر می‌افتدودخالت مستقیم امپریالیسم‌امریکا دربر انداختن حکومت مصدق، باذکر نارسانیهائی که درکار جنبه ملی و حزب توده

ایران بوده است، درمقابل خواننده مجسم می‌نماید.

فصل نهم کتاب شامل وقایع دوران بعدازکودتا وتسلط ارتجاع‌سیاه، خیانت رژیم‌کودتا به‌منافع ملت ایران و نهایت فصل دهم حاکی ازوضع بحرانی وعقب‌نشینی‌های اجباری‌این رژیم درمقابل نارضائی‌های مردم بشکل‌انجام اصلاحات ناقص بمعنی تثبیت موقت وضع خود میباشد.

سرتاسر اثر حاکی از احاطه وسیع نویسنده بوضوع و شناخت عمیق اوضاع ایرانست. بااینحال اثرخالی ازنارسائیها ونقائص نیست.

قسمتی از این نقائص جزئی وفائد اهمیت اساسی است. از آنجمله است مثلاً:

ذکر اینکه ازپایانسال ۱۹۲۵ پس‌از بازداشت‌های‌زیادی که ازفنایین‌اتحادیه‌های کارگری واعضای حزب کمونیست‌ایران بعمل آمد، حزب کمونیست مجبور به‌اختفا شد (صنحه ۵۶) و حال آنکه حزب کمونیست ایران برای کیلان، آنهم بهنگام انقلاب، هیچگاه‌اشکار نبودهمیشه بطورمخفی فعالیت‌میکرد، منتهی‌ازاین سال بیعد حزب مجبور به‌اختفاعدی شد؛

وبا اظهارنظر درباره‌اینکه اقدامات دولت رضاشاه در مبارزه بارؤسای ایلات‌وعشایر باعث‌کشیدن امکان‌اعمال‌نفوذ امپریالیسم انگلیس میشد. در صورتیکه ذکر این نکته بدون تذکراینکه درآن موقع امپریالیسم انگلستان درتغییب‌سیاست عمومی‌ضدشوروی خودوایجاد ومحاصره نظامی‌شوروی‌مجبور بود در ایران سیاست تمرکز وتقویت نیروی نظامی‌را تعقیب کند می‌تواند زمینه برای تحلیل‌های غیرواقعی بدست‌دهد؛ ونکت دیگر از این‌قبیل…

واما نقص عدده‌ای‌که بنظر نگارنده نمیتوان ازکنارآن گذشت‌چگونگی برخوردمؤلف بهاصلاحات اخیرشاه‌وارزیبایی بازه‌ای واتابع پس از اجراء این «اصلاحات» است.
نظر مؤلف‌درباره «اصلاحات» شاه‌وعبار این‌اصلاحات– نظری واقع‌بینانه است. وی آنها‌را سطحی دانسته و دارای تأثیر عمیق نمی‌شمارد.

ولی در اردیابی وقایعی‌که پس‌از شروع این‌«اصلاحات» رخ داده است مؤلف دچار اشتباه میشود ومبارزاتی را‌که‌شده است غالباً منتسب بهمر‌تجین وفنودالها میداند. حتی وقایع خرداد ۱۳۴۲ نیز تماماً به‌حساب ارتجاع گذارده شده وتوجه بشرکت عظیم مردم‌واینکه شمار‌های آنها بطور‌عدمه‌ضدسلطنت ودرجهت سرنگونی رژیم بوده نشده است. برای مؤلف کتاب که متخصص تاریخ ایرانست تحلیل این موضوع مشکل‌نیست که چنین تحرک بی‌سابقه‌ای‌را درمردم هیچگونه‌نیروی‌ارتجاعی نمیتواند بوجود آورد.

دراین‌مورد بهترین‌ومعتبرترین منبع‌استفاده برای مؤلف میتوانست تحلیل‌های کمیته‌مرکزی حزب توده ایران‌قرارگیرد نه‌اطلاع این بیان روزنامه پامجله.

درباره این وقایع در ارگان مرکزی حزب ماکفته شده است«… آنچه مسلم است اینست‌که در تظاهرات خردادماه‌این قبیل جریانات (دادن برخی شعار‌های ارتجاعی علیه‌اصلاحات ارضی وآزادی زنان – ک) فرعی است. مهم‌توجه باین‌حقیقت است‌که اگر ناخشودی ونفرت از رژیم محمدرضاشاه‌در‌درون جامعه ایران انباشته نشده بود، اگر مردم منتظر فرصتی‌برای ابراز کینه وخشم خویش نبودند بدون تردید هیچ نیروئی نمیتوانست‌دهها‌هزارتن از آنها‌را باچنین شوروشوق وجانبازی بی‌میدان نبرد یا محمدرضاشاه بکشاند…» آنچه هم‌میهنان ما را به‌جنبش خردادماه رانگیخت چیزدیگری جزخواست‌دیرینه‌آنها یعنی سقوط رژیم محمدرضاشاه نبود.»

بدیهی‌است اثری چنین ارزنده مانند «تاریخ‌نوین ایران» که‌مختصر منظره‌ای ازآن دراینجا داده شد به تجدید‌چاپ‌های متعددی احتیاج پیدا خواهد‌کرد. امیدواریم درنخستین تجدید چاپ، این نقص نیز که میتواند تاحسدی از ارزش اثر بکاهد برطرف‌گردد.

ع.کامبخش

نقل ازمجله‌دنیا – ارگان تئوریک‌وسیاسی کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران – سال ششم – شمارهٔ اول – بهارسال ۱۳۴۴